

بسم الله الرحمن الرحيم

صد سال از سقوط خلافت اسلامی می گذرد و تا زمان اقامه مجدد آن هرگز تغییر واقعی را احساس نخواهیم کرد!

(ترجمه)

ای مسلمانان پاکستان!

آیا از زمانی که حکام فعلی پاکستان تحت نظام دموکراسی، با بهره گیری از تمایل عمیق ما برای تغییر در قدرت آمدند، ما با ناامیدی ضربه محکمی نخورده ایم؟ آیا اکنون برای ما این امر روشن نشده است که هیچ تغییری در تحت حاکمیت دموکراسی، نه در هفتاد و پنج سال جاری و نه در هفتاد و پنج سال آینده، در پاکستان رخ خواهد داد؟ آیا این امر هم چنین یک دلیل واضح نیست که هیچ تغییری تحت نظام دموکراسی، نه در پاکستان و نه هم در هیچ جای جهان اسلام، رخ خواهد داد؟ ای مسلمانان، آیا حتی تاکنون، این امر مهم برای شما واضح و روشن نشده؟!

علاوه بر این، ما در این واقعیت دردناک مان در خصوص ناکامی دموکراسی تنها نیستیم؛ بلکه این واقعیت میان مسلمانان و غیر مسلمانان اعم در شرق و غرب، متشکر است. ساکنان سرسخت ترین مدافع دموکراسی در جهان، کشور آمریکا، عمیقاً از دموکراسی ناامید شده اند و با تلخ کامه گی و ناخوشایندی [در برابر این نظام] دشمنی اختیار کرده و از سبب بی عدالتی در خیابان ها به اعتراض بیرون می شوند. بزرگ ترین دموکراسی جهان، دولت هندو، نیز با اعتراضات کشاورزان فقیر متزلزل شده است، در حالی که فقر شدید به بسیار سریع [درین کشور] در حال گسترش است.

مطمئناً، دموکراسی نشان داده است که به مراقبت و رسیدگی از امور بشریت هیچ اهمیتی نمی دهد. چگونه این امر ممکن نباشد؟ حکم در دموکراسی راجع به آن چه مجاز (مسموح) و ممنوع است مرجع استخراجش عقل محدود بشر می باشد. علاوه بر این، دموکراسی حق صدور حکم و قضاوت را به صاحبان قدرت می دهد، بنابراین آن ها در اول و آخر منافع خود را تأمین می کنند. درحالی که مردمی که بر بالایش حکومت می شود، از حقوق شان محروم هستند. بنابراین، ای مسلمانان، چگونه ما باز هم به دموکراسی روی بیاوریم، چگونه؟!

ای مسلمانان پاکستان!

دموکراسی در سرتاسر جهان شکست خورده است و زمان آن فرا رسیده است که باید انهدام یابد و لغو شود. با این حال، برخلاف غیر مسلمانان که بر مسلمانان وابسته اند تا آنان را هدایت کنند، امت اسلامی بدیل عالی [در خصوص نظام حکومت داری] دارد. یقیناً، این دین عظیم ماست که می تواند برای تمام بشریت آسایش را به ارمغان بیاورد، طوری که تنها در اسلام حاکم نه می تواند از مردم سوء استفاده کند و نه می تواند بر آنان ظلم بکند، زیرا هر دو مقید بر اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی و رسول الله صلی الله علیه وسلم هستند.

برخلاف نظام دموکراسی و استبدادی، در نظام خلافت، وحی از جانب الله سبحانه و تعالی یگانه مرجع برای حکم و قضاوت است، در حالی که هیچ رای و اجماع بشری نمی تواند حکم الله سبحانه و تعالی را در هر موضوع لغو بکند. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَحْذَرُهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ...﴾ [مائده: 49]

ترجمه: و (به تو ای پیامبر فرمان می دهیم به این که) در میان آنان طبق چیزی حکم کن که الله (سبحانه و تعالی) بر تو نازل کرده است، و از امیال و آرزوهای ایشان پیروی مکن، و از آنان برحذر باش که (با کذب و حق پوشی و خیانت و غرض ورزی) تو را از برخی چیزهایی که الله بر تو نازل کرده است به دور و منحرف نکنند (و احکامی را پایمال هوی و هوس باطل خود نسازند).....
خلیفه مسلمانان نه دیکتاتور و نه دموکرات است. خلیفه نه به رای شخصی خودش و نه با رای اجماع یک مجلس حکم می کند. او تنها طبق قرآن و سنت حکمرانی می کند و خلیفه در حل هرگونه اختلاف که در میان رعیت اش به وجود می آید، تابع شرع و قانون الله سبحانه و تعالی می باشد.

﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [نساء: 59]

ترجمه: و اگر در چیزی اختلاف داشتید (و در امری از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به الله (با عرضه به قرآن) و پیامبر او (با رجوع به سنت نبوی) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید. چرا که الله قرآن را نازل، و پیامبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید) اگر به الله و روز رستاخیز ایمان دارید.

به همین ترتیب، اولین خلیفه راشد، خلیفه رسول الله صلی الله علیه وسلم - حضرت ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه - اعلام فرمود: «بی گمان ضعیف شما نزد من قدرت مند است تا زمانی که حق اش را باز پس گیرم ان شاء الله و قوی شما نزد من ضعیف است تا وقتی که او را باز پس گیرم ان شاء الله.»

به همین ترتیب، خلیفه ثانی امیرالمؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه گفته است که: «إِنَّ أَمْرًا خَاصَمْتُ عُمَرَ فَخَصَمْتُهُ» زنی با او در سایه خلافت اش گفتگو و مجادله نمود. هنگامی که عمر رضی الله عنه گفت: «لَا تَعَالُوا فِي مَهْرِ النِّسَاءِ» در مهر زنان زیاده روی و سخت گیری نکنید، آن زن برایش گفت: «لَيْسَ ذَلِكَ لَكَ يَا عُمَرُ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ» این از اختیار تو نیست ای عمر؛ زیرا الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا﴾ [نساء: 20]

ترجمه: و اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگری اختیار نمایید و مال بسیار مهر او کردید نباید چیزی از مهر او باز گیرید، آیا به وسیله تهمت زدن به زن و گناه آشکار مهر او را می گیرید؟

ساکنان آسمان ها و زمین شاهد عظمت اسلام در عصر خلافت بوده اند. این حاکمیت اسلام بود که باعث شد افواج مردمی، چه در اندونزی و آسیای میانه در شرق و چه در بوسنی و مراکش در غرب، فوج پس از فوج به پذیرفتن و استقبال اسلام بروند. این حکم کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است که باعث شد خلافت یک پناه گاهی امن برای مسلمانان و غیر مسلمانان به شمول برای یهودیانی که از آزار و شکنجه شدید از اروپا فرار کرده بودند، تبدیل شد. به یاری الله سبحانه و تعالی، این خلافت مقتدر و عظیم بود که تنها با تهدید جهاد، دهن کسانی را ساکت کرد که به عزت رسول الله صلی الله علیه وسلم حمله ور شده بودند. این حکمیتی است که الله سبحانه و تعالی [بر بشریت] نازل کرده است که خلافت را مجبور به تجهیز افواج مان در پاسخ به فریاد و ناله های مظلومان کرد، تا این افواج هرگاه سرزمین های مان تحت اشغال قرار گرفت آزاد شان کند و این افواج نور اسلام را در سرزمین های جدید بازتاب بدهند.

این امر طاعت از الله سبحانه و تعالی و رسول الله صلی الله علیه و سلم است که خلافت را ملزم به تامین آسایش برای فقرا و بدهکاران می کند، ضمن این که آموزش و مراقب های بهداشتی/صحی را با استانداردهای جهانی و عاری از هیچ گونه هزینه به اتباع دولت ارائه می کند.

ای مسلمانان پاکستان!

دقیقاً ما از زمان انهدام سقوط خلافت اسلامی در 1342 هـ.ق. مطابق 3 مارس/مارچ 1924 م. یعنی صد سال پیش راه خود را گم کردیم. از زمان سقوط خلافت بدین سو، فریادهای مظلومین همواره بر گوش های کر حکامی می رسد که ارتش های ما را محدود نموده و جلوی آن ها را می گیرند؛ در حالی که سرزمین های ما در تحت اشغال به سر می برند. بخاطر پناه گاه از سرزمین خود فرار می کنیم، زیر پای یکدیگر دست و پا می زنیم، حتی خطر غرق شدن را برای فرار قبول می کنیم. علی رغم میلیون ها نیروی توانمند و آماده در میان امت اسلامی بارهاست که به رسول الله صلی الله علیه و سلم اهانت صورت می گیرد. باوجودی که در میان ثروت فراوانی که الله سبحانه و تعالی به سرزمین های اسلامی ارزانی کرده، قرار داریم، با فقر دست و پنجه نرم می کنیم. در واقع، ما در نبود خلافت خود را گم کرده ایم و با تلاش به غیر از اسلام راه خود را پیدا نخواهیم کرد خواه دموکراسی باشد یا دیکتاتوری.

چگونه می توانیم در مسئله خلافت آرام و خاموش باشیم؛ در حالی که نیاکان بزرگوار ما حتی با وجود مواجه شدن با اشغال انگلیس، بخاطر نجات آن با قوت تمام دست به کار شدند؟

هنگامی که استعمارگران انگلیس شمشیرهای شان را بخاطر از بین بردن خلافت عثمانی بلند کردند، علامه اقبال رحمه الله شعر خود را تحت عنوان شکوه در مسجد بهدشاهی لاهور در نوامبر 1912 م. به منظور جمع آوری کمک های مالی برای خلافت به قرائت گرفت. شوکت علی و محمد علی جوهر تلاش های گسترده و سختی را برای حمایت از خلافت در تحریک خلافت (نهضت/جنبش خلافت) انجام دادند. سپس، هنگامی که اجیر انگلیس، نشنلیست/ناسیونالیست ترک مصطفی کمال ضربه مهلکی بر پیکر امت وارد کرد و خلافت را در مارس/مارچ 1924 م. مطابق رجب 1342 هـ.ق. ملغاً ساخت، نیاکان خردمند ما طی یک پیامی هشدار دادند که سقوط خلافت دروازه را به روی جاه طلبی های شرارت آمیز باز می کند.

اجداد ما نبود خلافت را این گونه می پنداشتند؛ پس حالت ما چگونه باید باشد، در حالی که صد سال از سقوط خلافت می گذرد؟ آیا نباید پاکستان مهد دولت خلافت آینده باشد؟ زیرا این کشور در اشغال قرار ندارد و دارای تعداد بی شماری از جوانان، منابع سرشار طبیعی و یک ارتش نیرومند و مسلح می باشد... موقف ما چگونه باید باشد؛ در حالی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (رواه مسلم)

ترجمه: هرکس در حالی بمیرد که در گردنش بیعتی نباشد؛ به مرگ جاهلیت مرده است.

ای مسلمانان پاکستان!

احمد روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«...ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مِنْهَاجِ النَّبُوَّةِ...»

(رواه احمد)

ترجمه: ... سپس هنگامی الله خواست آن را بر داشته پادشاهی جبر وستم خواهد آمد، و تا وقتی الله خواست دوام می آید، بعد از آن هنگامی که الله خواست آن را دور کرده بار دیگر خلافت بر روش و منهج نبوت قائم خواهد شد و سپس سکوت اختیار کردند. این فرموده مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم نه تنها که وحی الهی است، بلکه بشارتی ست برای ما در مورد بازگشت خلافت بر منهج نبوت. نخیر، این حدیث مبارک هم چنان خبری ست برای ما که باید مبتنی بر آن دست به کار شویم. صد سال از سقوط خلافت اسلامی می گذرد. ای مسلمانان برای بازگشت این مهم با کاروان حزب التحریر ملحق شوید!

#خلافت_را_برپا_کنید

#خلافت_بیا_تاسیس_کری

أقيموا_الخلافة#

ReturnTheKhilafah#

YenidenHilafet#

خلافت_کو_قائم_کرو#

حزب التحریر-ولایه پاکستان

30 جمادی ثانی 1442ھ.ق.

12 فبروری 2021م.

مترجم: داکتر زکریا